



۲۰۲۴/۰۱/۰۳

محمد آصف فقیری

## مرز گذاری دقیق حقوق

# فرهنگی و حقوق سیاسی در افغانستان!

### شرح مطلب:

حقوق بین المللی فرهنگی مجموعه روابط فرهنگی را در شناسایی تنوع فرهنگی در جوامع انسانی امروز مطالعه می کند که حقوق فرهنگی با حقوق اقلیت ها و قدرت رابطه تنگاتنگ دارد. البته حقوق سیاسی یا حقوق عمومی قوه های نظارتی را مشخص کرده و در صورت نقض حق به موسس کنندگان که حاکمیت اند بطور مستقیم و یا نمایندگان صلاحیت عزل مجری یا تعدیل قوانین را می دهد. زیرا قدرت موضوع حاکمیت ملی است که از مردم برای خدمت مردم مشروعیت قدرت گفته می شود. که زبان 'باور' سمت ... گونه های حقوق فرهنگی است که دولت برای رعایت آن در سازمان و یا وزارت فرهنگ می پردازد.

سوال اینجاست: که چرا در افغانستان گونه های فرهنگ موسس دولت های غیر مشروع و یا صوری جمهوری می شود؟ و یا اینکه بگوییم: مجموعه اعضاء شورای علماء که طالبان مدعی مشروعیت از آن شورا هستند آیا اعضاء آن توسط مردم انتخاب شده؟ و یا این شورا در امر نظارت اکنون فعال است؟ صلاحیت عزل مجریان قدرت در صورت رعایت نشدن حقوق مردم و یا فوت مجریان و نحوه جایگزینی در کدام قانون پیش بینی شده است؟ صلاحیت های فرد اول یا اولوا الامر که توسط ابن خلدون، امام محمد غزالی و دیگر جامعه شناسان سیاسی اسلامی تثبیت شده در کدام قانون و توسط کدام نمایندگان مردم افغانستان تصویب گردیده است؟ چرا هنوز هم افکار عمومی ثبات سیاسی را حکومت قانون نمی دانند؟ سرپرستی دولت و مشروعیت دولت را؟ چرا مرز ذهنی منطقی نداده ایم هنوز؟ آیا بسیاری از مشکلات سیاسی کشور ما ذهنی فکری نیست؟ که بیرون شک جمل یا همانا تعصب مسبب اشرف استخباراتی های منطقه و فرمانطقه می گردد. که گونه های فرهنگی چون زبان و باور وسیله های است تا افکار عمومی یا مردم را در تجزیه ماهوی قرار دهد؟ زیرا اتحاد مردم قدرتی است که موسس کننده دولت مردمی می شود. یاد آوری کنم از زمان خلفای راشدین تا دوره عثمانی ها، نحوه زمامداری مسلمین در تنوع مکانی و زمانی بوده که در حقیقت نوآوری در عقاید و عبادات در اسلام جایز نیست و مدرنیته و یا با عصر کنونی هماهنگ شدن یا سیاست های مروج که در تضاد باورهای حاکم مردم افغانستان نباشد در واقع تجلی قرآن مفسر زمان که معجزه است می شود. بطور مثال اینترنت، ترانسپورت های زمینی و هوایی، بانک داری مدرن و غیره پدیده ها که دست آورد های عصر کنونی می باشد جز خدمات محسوب می گردد که بخش دولت داری یا اعمال تصدی دولت گفته می شود که بیرون متخصص آن امکان پذیر نیست. البته مدیریت منابع

داخلی دولتی کشور ربط با سیاست خارجی کشور میگیرد که خط مش سیاسی کشور هم در اصل معین در میثاق ملی تعریف می شود.

مصاحبه بنده را در شبکه نور هم ربط به موضوع می گیرد:

<https://youtu.be/MU۳۴۱Bv۹bTE?si=GgLSrKt۰۰kj^dRFW>



برای مطالب دیگر محمدآصف فقیری روی عکس کلیک کنید

